نگاه

نگاه جدی‌تر به بدنه حامیان

سعید الهبداشتی*

● آنچه در سالروز رحلت امام(ره) و در کنار مرقد ایشان رخ داد، بهانه‌ای است برای نگارش سطور زیر.

۱. این واقعه تأسف‌بار، نمونه بارز توهین عده‌ای مدعی به بیت مکرم امام و همچنین به یکی از قدیمی‌ترین یاران و همراهان آن فرزانه ارجمند است؛ کسی که برای اولین‌بار در یک سخنرانی علنی و در سال‌های سرد استبداد، از واژه «امام» برای رهبرِ در تبعید ملت ایران استفاده کرد و امروز رئیس‌جمهوری اسلامی ایران است. گویا دایره اخراج یاران و همراهان و هزینه‌داده‌های امام و انقلاب- نه از نظام که از چارچوب فکری محدود قلیلی انحصارطلب که متوهمانه خود را عین نظام و انقلاب می‌پندارند- روزبه‌روز تنگ‌تر می‌شود.

۲. بسیار خطرناک است که تکرار متعدد چنین جسارت‌هایی به عادت زشت عده‌ای تبدیل شده که در کمال تأسف، ادعای ولایت‌مداری و دینداری هم دارند و صراحتا برخلاف منویات شفاف و غیرقابل تفسیر و تحریف مقام‌معظم‌رهبری عمل می‌کنند. ای کاش پیش از این جلوی تکرار چنین رفتارهایی گرفته می‌شد تا به سنتی سیئه تبدیل نشود.

۳. امروز آزادی سیاسی در اعلام نظر و تجمع، برای مخالفان دولت بسیار گسترده‌تر و فراخ‌تر از موافقان است، پس چه نیازی است که این عده حتی به مراسم بزرگداشت حضرت امام هم رحم نکنند و بداخلاقی‌شان را به این مکان احترام‌برانگیز نیز بکشانند.

۴. درحالی‌که رقم‌خوردن بداخلاقی در محیط‌های ورزشی و در پخش زنده، سریعا با واکنش کارگردان برنامه‌های ورزشی مواجه شده و از انتشار صداهای قبیح و غیراخلاقی جلوگیری به عمل می‌آید، چرا سیمای ملی از به‌تصویرکشاندن این توهین‌ها و بداخلاقی‌ها آن هم به رئیس‌جمهور محترم و یادگار بزرگوار امام ابایی ندارد؟ این درحالی است که صدای مخالفان و منتقدان در هفته‌های گذشته بارها از سیمای ملی پخش شده و انعکاس وسیع داشته است!

۴.یکی از آسیب‌های متوجه دولت و حامیانش این است که جریان مخالف دولت تلاش می‌کند از همه ابزارها و امکاناتش برای ایجاد «شکاف» در بدنه اجتماعی حامی اصلاحات و اعتدال استفاده کند. یک روز به بهانه مشکلات اقتصادی و یارانه، روز دیگر از نارسایی‌های اداری به ارث گذاشته‌شده از دولت اصولگرایان، همچون مسئله فرهنگیان و البته در همه این روزها نیز بهانه‌گیری و وارونه‌جلوه‌دادن روند و نتیجه مذاکرات و ایجاد نگرانی کاذب در جامعه و اظهار ازدست‌رفتن انقلاب و خیانت در مذاکرات و... بازهم برخلاف فرمایشات صریح رهبری انقلاب.

هدف مخالفان پیام ۲۴ خرداد ۹۲ به‌ویژه در این ماه، نبودن امکان تبلیغات مناسب در سالگرد این حماسه و از آن مهم‌تر متشکل‌کردن نیروهای جریان مخالف دولت برای انتخابات مجلس و بازسازی روحی و فکری حامیانش است. تمام تلاش این گروه، زیاد جلوه‌دادن خود و از قول مردم و متدینین سخن‌گفتن است. از نزدیک و در مسیر عبور، تجمع هفته گذشته در میدان فلسطین را دیدم که ضلع جنوبی میدان به‌طور کامل از جمعیت پر نشده بود، اما در تبلیغات و تصویرسازی‌های آنها چیزی دیگر جلوه می‌کند.

اما آن سوی میدان، این دولت است و حامیان کثیرش؛ دقیقا نقطه ضعف نیز همین است که از این امکانات استفاده نمی‌شود. مقوله وزارت کشور و استانداری‌ها و جلسات تعطیل‌شده حامیان در شهرستان‌ها به کنار، فقط از منظر آسیب‌شناسی دولت می‌گویم که یکی از مهم‌ترین امکانات بالقوه و نعمت‌های این دولت، ظرفیت عظیم جوانانی است که با وجود بی‌مهری‌های صورت‌گرفته در سال‌های نه‌چندان‌دور، همچنان خود را متعهد به حمایت از دولت تدبیروامید می‌دانند، همان‌هایی که صادقانه آمدند و موج عظیم انتخابات را برای حاکمیت عقلانیت و اعتدال و رقم‌خوردن حماسه راه انداختند و هنوز هم صادقانه در صحنه مانده‌اند و در این دوسال نیز ثابت کرده‌اند اگر فرصتی فراهم آید، به صحنه می‌آیند و منتظر درخواست کمک از سوی دولتمردان نمی‌مانند. جوانانی که در دانشگاه‌ها امید را بسط می‌دهند و در تشکل‌های مدنی تمرین می‌کنند و خود را برای خدمت به جامعه تربیت می‌کنند و در صحنه عمل سیاسی و اجتماعی ادای تکلیف می‌کنند.آنها در بازگشت رئیس‌جمهور از سفر اول به نیویورک و دو استقبال از تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای و سفرهای دولت در استان‌ها پیشگام و موفق بوده‌اند. همه اینها نیز در حالی رخ می‌دهد که هماهنگی خاصی از سوی دولت و مردان رئیس‌جمهور برای کمک به حامیان جوانش انجام نشده بود. اما اگر پاستورنشینان اندکی با حامیان جوانشان بنشینند، آن وقت طیف گسترده حامیان و جوانان خط امامی اجازه توهین به رئیس‌جمهورشان در مراسم‌های مختلف را نخواهند داد. ادب و متانت و اخلاق‌مداری سیاسی و شور و نشاط و حماسه‌آفرینی، دو روی یک سکه‌اند و جوانان به‌خوبی دو روی این سکه را می‌شناسند و به آن پایبند هستند؛ جوانانی که هم نگاهی اخلاقی به ساحت جامعه و سیاست‌ورزی دارند و هم اهل حماسه و حماسه‌آفرینی‌اند؛ آن هم در خرداد!

*روزنامه‌نگار و عضو مجمع نیروهای خط امام

از خوئینی‌ها به هاشمی رسیدم

ادامه از صفحه ۶

یعنی از آن عمل خود در مجلس ششم دفاع می‌کنید؟

من عقب‌نشینی نمی‌کنم. برخورد با منافقین در زمان کمیته از طرف بنده جزء افتخارات من است. اینها و هر کاری در مسیر امام انجام داده‌ام اعتقادم بوده است. در مجلس ششم از رهبری دفاع کردم اعتقادم بوده است و برای دوستانم هم ایستادگی می‌کنم. یعنی اگر کسی علیه موسوی‌خوئینی‌ها، آقای هاشمی یا دیگر دوستانم صحبت کند من دفاع می‌کنم. نمونه‌اش هم پاسخم برای رحیم‌صفوی بود؛ آزادی و حریت من این‌گونه است. ضمن اینکه در طیف اصلاح‌طلب و چپ هستم و مدیریت آنان را قبول دارم و ترجیح می‌دهم. به بسیاری از اصولگراها اعتقاد ندارم، مخصوصا بعد از جریان احمدی‌نژاد که امتحان خود را پس دادند. اصولگرایان اواخر دوره دولت دهم به مخالفت با احمدی‌نژاد برخاستند درحالی‌که این را افتخار خود می‌دانستند. اما ما از روز اول قبل از اینکه انتخاب شود مخالفت کرده بودیم و هشدار داده بودیم که اگر احمدی‌نژاد بیاید چه اتفاقاتی خواهد افتاد. بشر جایزالخطاست و فرد سیاسی ممکن است خطا کند اما تا جایی که توانستم زیربار سیاسی‌کاری نرفتم. ممکن است صحبت‌های من به ضررم تمام شود و برخی نپسندند. شاهد بودید در مجلس از آقای خاتمی چقدر دفاع کردم. از اهانت به مهندس موسوی، سیدحسن آقا و آقای هاشمی دفاع کردم؛ جزء اعتقاداتم بود و پشیمان نیستم.

در مجلس چهارم، سال ۷۱ جریان چپ کلا حذف می‌شود. گفته می‌شود آقای هاشمی باعث رد صلاحیت‌های مجلس چهارم بود یا حداقل سکوت کرد و این رد صلاحیت‌ها دامن خود او را در سال ۹۲ گرفت.

کسانی که از شما می‌خواهند چنین سؤالاتی را بپرسید، بیمار هستند.

اتفاقا این سؤال خودم بود.

به‌تازگی شنیدم یکی از این بچه‌های بیمار که اصلاح‌طلب و دوست شما هم هست یک مقاله راجع به آقای هاشمی نوشته است. من به یکی از دوستان که اسم او را نمی‌برم و شما می‌شناسید پیغام دادم که حاضر هستی راجع به اشتباهات فلان آقا هم که از هوادارانش هستی بنویسی؟ آقای کرباسچی به من گفت به او پیغام دادم که تو حاضری علیه آقای موسوی‌خوئینی‌ها بنویسی؟ پاسخ داد نه. آن آقا ناراحت بود که چرا در زمان هاشمی دستگیر شده است. خیلی اتفاق‌های زیادی در گذشته افتاده است.

هرکجا آقای هاشمی بایستد شما آنجا هستید؟

نه، رهبری مقدم هستند.

منظورم بعد از رهبری است.

البته این‌طور هم نیست که چشم‌بسته بگویم آقای هاشمی. من آقای هاشمی را رکن انقلاب می‌دانم و حدود ۵۰ سال از آشنایی من با ایشان می‌گذرد. معتقدم که به او ظلم شده و مظلوم واقع شده است. من در مقابل همه هجمه‌ها و تهمت‌هایی که به او می‌زنند، می‌ایستم.

تکلیف شما با این شجاعت و صراحت و رفاقت که می‌گویید، با دولت آقای روحانی چیست؟

آقای روحانی می‌توانست بهتر عمل کند.

در چه زمینه‌ای؟

اکنون نمی‌خواهم درباره دولت صحبت کنم.

انتخابات مجلس دهم را چگونه پیش‌بینی می‌کنید؟

شرایط خوبی نیست؛ زیرا برخی اجزای دولت در این زمینه درست عمل نکرده‌اند.

عملکرد شورای نگهبان درباره مجلس دهم چطور خواهد بود؟

شورای نگهبان کوتاه نمی‌آید و مشخص است. اما متأسفانه باید بگویم با این روند فعلی بسیاری از نامزدهای انتخاباتی در هیأت‌های اجرائی ردصلاحیت می‌شوند. خیلی از وزرا در مقابل مجلس ضعف نشان دادند. بسیاری از استانداران و وزرا ضعیف هستند و به نمایندگان باج می‌دهند. از ترس نمایندگان نمی‌توانند مدیر انتخاب کنند و در بسیاری از موارد مدیران را نمایندگان انتخاب می‌کنند. من در دوره ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد نماینده مجلس بودم. احمدی‌نژاد برای نمایندگان ارزش قائل نبود، اصلا او ما را آدم حساب نمی‌کرد. نه آن‌قدر افراط و نه این‌قدر تفریط. یکی از اشخاص مسئول دولت که شما هم می‌شناسید حدود هشت ماه قبل می‌گفت یکی از این وزرا در مجلس رابط گذاشته است که هرچه نمایندگان می‌خواهند بدهند ولی به مجلس احضار نشوند.

سرانجام مذاکرات چه می‌شود؟

خوشبین نیستم.

یعنی به نظر شما توافق نهایی حاصل نمی‌شود؟

به‌هرحال خوشبین نیستم. آنچه مسلم است این است که احتمالا تا انتخابات مجلس به جایی نمی‌رسد.

می‌دانید که اخیرا رئیس دولت نهم و دهم فعالیت‌های گسترده‌ای را آغاز کرده است. اگر احمدی‌نژاد دوباره بخواهد کاندیدا شود، رأی می‌آورد؟ اصلا صلاحیتش تأیید می‌شود؟

هر چیزی ممکن است. احمدی‌نژاد دیگر نمی‌تواند رئیس‌جمهور شود اما می‌دانیم که او طرفدارانی دارد. او بانی کارهایی بود که موجبات بیچارگی را فراهم کرد. در شرایطی دشوار پرداخت یارانه را باب کرد و ظاهرا به ماهی سه‌هزارو ۷۰۰ میلیارد تومان می‌رسد و الان دولت قادر به پرداخت آن نیست. بنابراین قشر روستایی و ضعیف با اوست. اما قشر روشنفکر و نخبه و دانشجو در گروه طرفداران احمدی‌نژاد نیستند. اما در طبقاتی دیگر هوادارانی دارد و نمی‌توان منکر آن شد.

برخی معتقدند اگر مجلس نهم علی مطهری را نداشت، ضعیف‌ترین مجلس بود.

البته باید این را هم حساب کرد که دوستان دیگر ما هم در مجلس هستند؛ ازجمله آقای پزشکیان و آقای تابش و بعضی دوستان دیگر. اما به‌هرحال اکثریت در دست گروهی دیگر است. نقطه مقابل مجلس ششم، مجلس نهم است. آقای مطهری واقعا انسان حق‌طلب و فرزند خلف شهید مطهری است؛ شجاع و دارای محبوبیت است. اگر بازهم کاندیدا شود رأی بالایی خواهد آورد.

شما هم در انتخابات شرکت می‌کنید؟

بله. اگر انتخابات استانی شود، از قزوین می‌آیم در غیر این‌صورت از تهران ثبت‌نام خواهم کرد.

ردصلاحیت نمی‌شوید؟

چرا باید ردصلاحیت شوم؟

وقتی آقای هاشمی ردصلاحیت می‌شود ممکن است برای شما هم این اتفاق بیفتد.

آقای هاشمی برای ریاست‌جمهوری ردصلاحیت شدند.

اما شما با آن سوابق، قبلا هم ردصلاحیت شده‌اید.

من دوبار ردصلاحیت شدم. در شورای نگهبان و هیأت اجرائی قزوین همه با من مخالف هستند.

الان هم همین‌طور است؟

شورای نگهبان که حتما مخالف است. احتمالا آنها هم مخالف‌اند. من دوبار رد شدم و به دستور آقا برگشتم.

پس ممکن است دوباره ردصلاحیت شوید؟

من دلیلی برای ردشدن نمی‌بینم، اما اگر رد شوم به رهبری نامه می‌نویسم که چرا من را رد کردند؟ من اگر در جایی قدم بگذارم، تلاش می‌کنم موانع را بردارم.

این‌روزها صحبت‌های زیادی از حضور آقای ناطق‌نوری در انتخابات آتی مجلس می‌شود. شما به‌عنوان دوست نزدیک ایشان از تصمیم او برای حضور در انتخابات خبر دارید؟

آقای ناطق دیگر در هیچ انتخاباتی حاضر نخواهند شد.

عکس: زنوفه رستمی، شرق

اصل و فرع اصلاحات

سعید نورمحمدی: اصل اصلاحات و اصلاح‌طلبان چیست؟ چه چیزی اولویت غیرقابل‌تغییر جریان اصلاح‌طلبی است و چه مسائلی را امور فرعی آن می‌توان نامید؟ طبیعتا اصلاحات اصالتی دارد و مبنای قرارگرفتن افراد در دایره اصلاح‌طلبی باید این اصول باشد نه روابط قبیله‌ای و شخصی. می‌توان گفت اصل اصلاحات غایت اصلاحات است. اهداف و آرمان‌های اصلاح‌طلبی طبیعتا بدون تغییر است و می‌توان آنها را استقلال، آزادی و پیشرفت برشمرد.

تاکید همیشگی اصلاح‌طلبان از انقلاب مشروطه تاکنون بر آزادی بوده و تثبیت و تقویت مهم‌ترین وجه آزادی یعنی حاکمیت مردم بر سرنوشت خود که در انقلاب اسلامی ایران به‌دست آمده، اولین اصل اصلاح‌طلبی است. استقلال و پیشرفت و نجات از عقب‌افتادگی را می‌توان از دیگر اصول اصلاح‌طلبی دانست تا در صورت تحقق آن ملت ایران بتواند زندگی‌اش را متناسب با شأن تاریخی‌اش تنظیم کند که مشروطیت براساس این خواست تاریخی و اساسی مردم ایران به وجود آمد و انقلاب اسلامی هم شکل گرفت. اما نحوه رسیدن به این اهداف یا اصول نیز مهم است. چگونه و با چه ابزاری می‌توان بهتر به سمت این اصول حرکت کرد و از فرصت‌ها به بهترین شکل استفاده کرد. آیا می‌توان از هر روش و وسیله‌ای برای تحقق اصول آن استفاده کرد و انتظار داشت با آن روش، اصلاح‌طلبی به نتیجه برسد؟ باید پذیرفت در بسیاری از موارد شکست‌های جریان اصلاحات در سال‌های اخیر نه به‌دلیل اصالت اصلاح‌طلبی که به‌خاطر انتخاب روش‌های پیگیری آن اصول بوده است که سبب شده اصول اصلاحات بی‌رحمانه قربانی استراتژی‌ها و تاکتیک‌های اشتباه شود. این روش‌ها درواقع فرع اصلاحات هستند و برای انتخاب آن باید کاملا واقع‌گرایانه و هوشمندانه حرکت و از هرگونه احساس‌گرایی پرهیز کرد تا مبادا انتخاب فرع نادرست به اصالت ما لطمه بزند.

خویشتن‌داری و صبوری را می‌توان منطقی‌ترین روش برای پیشبرد اصلاحات گام‌به‌گام از طریق اجماع‌سازی در بین نخبگان هر دو جریان کشور دانست. ذکر این نکته لازم است که خویشتن‌داری به معنی کوتاه‌آمدن از اصول یا داشتن عقاید وسط نیست و صرفا روش رسیدن به اهداف و اصول است؛ یعنی می‌توان رادیکال‌ترین عقاید را هم داشت اما در رفتار سیاسی خویشتن‌داری کرد. از این زاویه خویشتن‌داری با اعتدال نیز این تمایز را دارد که حامیان اعتدال، آن را یک تفکر و اصل می‌دانند، در حالی که خویشتن‌داری صرفا یک روش و مسئله فرعی در جریان اصلاحات است. نبود خویشتن‌داری همواره و برای هر جریان سیاسی خطرناک است. نداشتن خویشتن‌داری باعث می‌شود یک جریان سیاسی خیلی رادیکال به‌نظر برسد و بالطبع متحمل ضربه‌ها و هزینه‌های سنگینی شود. البته آسیب‌خوردن تنها تهدید آن نیست، بلکه به سبب ایجاد بستری که منجر به دوقطبی‌شدن فضای سیاسی می‌شود، تقویت جریان‌های رادیکال رقیب را هم به‌دنبال می‌آورد و باعث زایش جریان‌های تند مخالف هم می‌شود. ازهمین‌رو این گفته به گزافه نیست که بگوییم رادیکالیسم احمدی‌نژاد نتیجه برخی رفتارهای غیرخویشتن‌دارانه برخی از جریانات اصلاحات بود. کمااینکه این جریان رادیکال و تند پیش از سال ۷۶ هم در قالب گروه‌های فشار وجود داشت، ولی هیچ‌وقت قدرت اثرگذاری چندانی نداشت. اما نوع برخورد و مواجهه در آنچه که فرع اصلاحات بود، باعث شد که اراده‌هایی برای قدرت‌گرفتن رسمی آن شکل بگیرد و روزبه‌روز هم بر قدرتش افزوده شود.

تفاوت دیدگاه ندای ایرانیان با بخشی از اصلاح‌طلبان را نه در اصل اصلاحات که در همین فرع اصلاحات باید جست‌وجو کرد؛ صبوری و خویشتن‌داری برای ایجاد اجماع به‌منظور رسیدن به اصل اصلاحات و پرهیز از روش‌هایی که به اصول اصلاح‌طلبی ضربه بزند. اما مسئله‌ای که در جریان اصلاحات وجود دارد، نبود تمییز فرع و اصل اصلاحات است؛ اینکه «تفاوت در روش» به‌عنوان «تفاوت در اصل» تعریف می‌شود و شاید بر همین مبنا خواسته می‌شود افرادی که در روش، متفاوت می‌اندیشند به آنچه اصل تعریف می‌کنند، بازگردند. باید مراقب بود گم‌شدن در کوچه‌پس‌کوچه‌های فرعی اصلاحات به گم‌کردن و فراموش‌کردن آرمان‌های اصلاح‌طلبی منجر نشود. طبیعتا اگر این اصول را پذیرفته باشیم، از همه ظرفیت‌های موجود در جریان رقیب هم برای تقویت آن استفاده می‌کنیم؛ به‌عنوان‌مثال اگر حضور یک حزب اصولگرا منجر به تقویت خانه احزاب شود یا حضور یک فرد معتدل از جریان رقیب نیز به تقویت مردم‌سالاری منجر شود، نه‌تنها باید استقبال کرد که باید به‌دنبال دعوت و حضورشان هم بود. اما اگر فرع اصلاحات و مناسبات تاریخی و شخصی، اصل تفسیر شود، حلقه اصلاح‌طلبی روزبه‌روز تنگ‌تروتنگ‌تر خواهد شد. در نهایت اینکه باید بپذیریم که در جامعه، ما بیش از هرچیز نیازمند یک گفت‌وگو و مفاهمه وسیع هستیم تا از دل این مفاهمه، معانی مشترک از آرمان‌ها و اهدافمان شکل بگیرد تا جامعه و بازیگران سیاسی از این مرحله که بر سر ابتدایی‌ترین و کوچک‌ترین موضوعات دچار نزاع و اختلاف می‌شوند، عبور کنند. لازمه فراهم‌کردن این گفت‌وگو هم چیزی جز خویشتن‌داری در سخن و عمل نیست.

منهای پایتخت

محکومیت جنایات آل‌سعود

● **ایرنا؛ مشهد:** مولوی عبدالکریم علی‌بائی، امام‌جمعه موقت اهل‌سنت شهر مشهدریزه در شرق خراسان‌رضوی، گفت: درحالی‌که امروز جهان اسلام بیش از همیشه احتیاج به اتحاد، همدلی و هم‌فکری دارد، هجوم آل‌سعود به جان و مال مسلمانان، محکوم است. او افزود: جای بسی تأسف و تأمل است حاکمان عربستان‌سعودی که خود را خادم‌الحرمین معرفی می‌کنند به جان و مال مسلمانان کشور یمن هجوم آورده‌اند. او افزود: حمله عربستان به یمن نقض فاحش و آشکار موازین انسانی و بشردوستانه بوده و محکوم است.

خارک؛ الگوی وحدت در جهان اسلام

● **مهر؛ بوشهر:** آیت‌الله سیداحمد خاتمی، نماینده مجلس خبرگان رهبری و امام‌جمعه موقت تهران، گفت: جزیره خارک الگوی وحدت در جهان اسلام است. او افزود: جزیره خارک جزیره دین و جزیره معنویت است؛ در این جزیره چند مطلب را به‌صورت شاخص دیدم که موضوع اول، وحدت برادران شیعه و اهل‌سنت است. او با بیان اینکه این وحدت، خاری در چشم دشمنان اسلام است، اضافه کرد: آنها نه شعیه را می‌خواهند و نه اهل سنت را و فقط این وحدت را هدف قرار داده‌اند. امام‌جمعه موقت تهران با بیان اینکه جزیره خارک، الگوی وحدت در جهان اسلام است، ادامه داد: خارک جلوه عملی از معنی کلمه وحدت است که بابت این وحدت گسترده از امام‌جمعه خارک به‌صورت ویژه تقدیر و تشکر می‌کنم.

انتخابات کرج الکترونیکی شد

● **فارس؛ کرج:** محمدتقی ایرانی، فرماندار کرج، از برگزاری دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی به‌صورت الکترونیکی در این کلان‌شهر خبر داد. او با اعلام اینکه در ۹ شهر کشور، علاوه بر استفاده از صندوق‌های سنتی رأی، از صندوق‌های الکترونیکی نیز استفاده می‌شود، گفت: این شهرها شامل تهران، کرج، قم، کرمانشاه، شیراز، مشهد، اصفهان، اهواز و تبریز است. او افزود: برگزاری انتخابات الکترونیکی، ۲۵ فرایند دارد که ۲۴ فرایند آن محقق شده و فرایند آخر، تهیه صندوق‌های الکترونیکی به جای صندوق‌های سنتی فعلی است که از سوی وزارت کشور در حال پیگیری است.